

بررسی میزان گرایش به قانون‌گریزی و رابطه آن با میزان مشارکت اجتماعی و میزان کنترل اجتماعی در شهر یاسوج

اصغر میرفردی، دانشیار، گروه جامعه‌شناسی دانشگاه یاسوج، ایران*

فروغ فرجی، دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه یاسوج، ایران

چکیده

عوامل متعددی ممکن است در قانونمند بودن افراد و یا گریز آن‌ها از موازین قانونی در جامعه تأثیرگذار باشند. هدف این مقاله بررسی میزان گرایش به قانون‌گریزی و رابطه آن با میزان مشارکت اجتماعی و میزان کنترل اجتماعی است. پژوهش با روش پیمایش و در مورد ساکنان ۴۵-۱۸ ساله شهر یاسوج انجام شده است. با استفاده از جدول لین و روش نمونه‌گیری تصادفی از نوع طبقه‌ای-چند مرحله‌ای، ۳۸۱ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند. ابزار گردآوری اطلاعات، پرسشنامه محقق ساخته بود که برای تعیین اعتبار آن از اعتبار سازه به روش تحلیل عاملی و برای تعیین پایایی از همسانی درونی به روش آلفای کرونباخ استفاده شد. نتایج پژوهش نشان داد که بین میزان مشارکت اجتماعی و گرایش به قانون‌گریزی رابطه معکوس و معناداری وجود دارد؛ در حالی که بین میزان کنترل اجتماعی و متغیر وابسته رابطه معنادار وجود ندارد. بین استفاده از رسانه‌های جمعی و گرایش به قانون‌گریزی رابطه معناداری وجود دارد. همچنین، مردان و افراد مجرد، نسبت به زنان و افراد متأهل گرایش بیشتری به قانون‌گریزی، داشته‌اند. در مجموع، متغیرهای تحقیق، ۲۳/۴ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین نموده‌اند. **کلیدواژه‌ها:** قانون‌گریزی، کنترل اجتماعی، مشارکت اجتماعی، یاسوج.

مقدمه و بیان مسأله

یکی از ویژگی‌های زندگی اجتماعی انسان، قاعده‌مند و نظام‌مند بودن آن است. این نظام‌مندی، میراث فرهنگ‌سازی و تمدن‌پویای بشری است که در گذر زمان تحقق یافته است. با بهره‌گیری از نظام قواعد و قوانین، انسان‌ها در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند بدون این‌که تمایلات فردی و هنجارگریز، شاکله نظام اجتماعی را مختل سازد. در واقع، شالوده اساسی نظام اجتماعی تعامل مبتنی بر نظم و قواعد رفتاری است. هنجارها به شکل هنجارهای رسمی و یا هنجارهای غیر رسمی به نظم‌بخشی زندگی اجتماعی انسان می‌پردازند. هنجارهای رسمی در قالب قواعد و قوانین و هنجارهای غیر رسمی در قالب عرف‌های جاری به کار بسته می‌شوند.

قوانین از آن رو که برآمده از اراده جمعی است و میثاق اجتماعی و مستند مردم در یک حوزه سرزمینی است، برای همه شهروندان لازم‌الاجراء است. با وجود این، همه افراد جامعه به یک اندازه با قوانین رسمی هماهنگی ندارند و برخی افراد به اشکال مستقیم و غیر مستقیم و آشکار و پنهان سعی در عدول از موازین آن دارند. به همین سبب، طیفی از رفتارها در جامعه شکل می‌گیرد که یک سوی آن قانون‌گرایی و سوی دیگر، قانون‌گریزی است و شهروندان جامعه متناسب با میزان پذیرش و پیروی از قوانین مصوب، بر روی این طیف قانون‌گرایی - قانون‌گریزی توزیع می‌شوند. آنچه به عنوان قانون‌گریزی شناخته می‌شود، نوعی جهت‌گیری نسبت به هنجارهای قانونی جامعه است که به کجروی یا انحراف از آن‌ها منجر می‌شود.

«قانون‌گریزی مترادف با نظم‌گریزی است که عوارض آن قانع نبودن شخص به حقوق خود، تعرض به حقوق دیگران، انجام ندادن تکالیف، گریز از مسؤولیت و رسیدن به مقصود به هر طریق ممکن است» (رحمتی، ۱۳۸۰، به نقل از علمی، ۱۳۸۴: ۵۶). از بعد حقوقی می‌توان قانون‌گریزی را این‌گونه تعریف کرد: «قانون‌گریزی، نادیده گرفتن قواعد رفتاری و هنجارهاست که دارای ضمانت‌های اجرایی رسمی هستند.

شیوع تکرار این رفتار، میزان قانون‌گریزی افراد را تعیین می‌کند» (کلانتری و همکاران، ۱۳۸۴: ۶۸).

یکی از ویژگی‌های جهان سوم در زمینه‌های هنجاری و نظم‌پذیری، گریز از پذیرش عمومی قانون است. این شرایط سبب شده است که با وجود بیش از یک قرن ارتباط با آموزش‌های مدرن و فراگیر، هم در حوزه‌های حقوقی و قانونی و هم در دیگر ابعاد اجتماعی، همه شهروندان نسبت به جایگاه سازنده و مهم قانون و ضرورت پیروی از آن در همه ابعاد و بخش‌های زندگی فردی و اجتماعی، آگاهی عملی پیدا نکنند. آنچه به خصوص به لحاظ روان‌شناسی اجتماعی اهمیت دارد، جامعه‌پذیری ارادی و داوطلبانه قوانین از سوی افراد جامعه است. این وضعیت زمانی تحقق می‌یابد که پذیرش قانون در باورها و ایستارهای شهروندان نهادینه شود و بر حوزه رفتاری و عملکردی آن‌ها تأثیر بگذارد. در چنین وضعیتی، قانون‌پذیری جزئی از فرایند اجتماعی شدن افراد جامعه محسوب می‌شود. اگر فرایند اجتماعی شدن به شیوه‌ای درست انجام شده باشد، افراد جامعه دلبستگی و علاقه فراوانی به رعایت قوانین پیدا می‌کنند و سعی می‌کنند از آن‌ها نکتند. این گونه از اجتماعی شدن، نیازمند بهره‌گیری از ابزارهای نظارتی و کنترلی توسط جامعه و نهادهای زیرمجموعه آن است. زندگی اجتماعی انسان‌ها در کنار قاعده‌مند بودن نیازمند بهره‌گیری از این ابزارهای کنترلی است زیرا در انسان‌ها در تعامل مستقیم و غیر مستقیم با یکدیگرند و در امور مختلف مشارکت دارند و به سامان بودن جامعه با این حجم از تعاملات اجتماعی نیازمند قانون‌گرایی است.

هنجارگریزی یکی از ویژگی‌هایی است که به شکل قابل توجهی در بخشی از رفتارهای شهروندان جامعه ایرانی وجود دارد، به گونه‌ای که «اغلب نظرسنجی‌ها و تحقیقاتی که به سنجش میزان قانون‌گرایی در بین ایرانیان پرداخته‌اند، به این نتیجه رسیده‌اند که در ایران تمایل زیادی به رعایت قانون در جامعه دیده نمی‌شود» (رضایی، ۱۳۸۴: ۴۷).

طبق گزارش فرماندهی انتظامی استان کهگیلویه و

نوجوانان غیر بزهکار ۳۹/۶ درصد و در گروه نوجوانان بزهکار ۶۷/۶ درصد است ($P < 0.01$). برخی از نتایج پژوهش حاکی از آن است که بین میزان استفاده نوجوانان بزهکار و غیر بزهکار از ماهواره، تفاوت معناداری وجود ندارد اما نوجوانان بزهکار به طور معناداری کمتر از نوجوانان غیر بزهکار از اینترنت و به طور معناداری بیشتر از آنان از تلویزیون استفاده می‌کنند.

تنکابنی (۱۳۸۹) در پی پاسخ این پرسش بوده است که با توجه به اهمیت قانون و نظم در آرای دانشمندان حوزه علوم اجتماعی و مدیریت و اداره امور، وضعیت قانون‌مداری و پیشینه آن در نظام‌های اداری دوره قاجار چگونه بوده است؟ در این پژوهش، محقق با بهره‌گیری از روش ساختمندگرا - که کنش و ساختار را به صورت توأمان مداخله‌گر در تبیین علمی پدیده‌های اجتماعی می‌شمارد - به پرسش یاد شده پرداخته شده است. در این پژوهش چنین آمده است که نظم و قاعده‌ورزی، به مثابه یکی از ارکان امور مدیریت و سازمان، در اصل، مولود و محصول «قانون» به عنوان مهم‌ترین محک سنجش امور و پدیده‌های جاری جوامع و قانون‌باوری است. در جوامع اروپایی، وجود قوانین و رویه‌های حقوقی حتی در دوره‌های تاریخی حاکمیت سلطنت مطلقه، سبب پدید آمدن و غلبه روح قانون‌مداری در اکثر جنبه‌های زندگی و همچنین در عرصه مطالعات و نظریه‌های علمی در حوزه‌های گوناگون و از جمله علوم اجتماعی و مدیریت شده است؛ حال آن‌که در ایران، به دلیل وجود حکومت‌های استبدادی و خودکامه پادشاهی و فقدان قانون، همواره روحیه و عادت قانون‌گریزی و قانون‌ستیزی در ابعاد گوناگون زندگی اجتماعی به ویژه در اداره عمومی و کارکرد نظام دیوان‌سالاری، وجه غالب امور جاری جامعه شده است. این روحیه در دوره قاجار و پس از آن تداوم و تشدید یافت و حتی پدیده انقلاب مشروطیت هم قادر به تحول بنیادین در آن نشد.

صفاری و صابری (۱۳۹۳) در مقاله خود نشان داده‌اند آن‌چه می‌تواند مجوزی برای اعمال پیشگیری وضعی توسط

بویراحمد، آمار جرائم در شهر یاسوج نشان می‌دهد که جرائم در سال ۸۸ نسبت به سال ۸۷، ۲۱/۹ درصد و در سال ۸۹ نسبت به ۸۸، ۵۱/۷ درصد افزایش داشته است. در سالیان اخیر نیز روند رو به رشد برخی از جرائم به ویژه سرقت، تخلفات ترافیکی، نزاع دسته جمعی و نیز سیر تحول آمار کلیه جرائم در این شهر، نشانگر رشد میزان قانون‌گریزی است. در این تحقیق سعی شده است تا به بررسی رابطه متغیرهایی چون کنترل اجتماعی و مشارکت اجتماعی با متغیر گرایش به قانون‌گریزی پرداخته شود و به این پرسش پاسخ داده شود که کنترل اجتماعی و مشارکت اجتماعی چه ارتباطی با میزان گرایش شهروندان شهر یاسوج به قانون‌گریزی دارند.

پیشینه پژوهش

دانایی فرد و همکاران (۱۳۸۸) به موضوع هدف شناسایی موانع قانون‌گریزی و قانون‌شکنی و ارائه راهکارهای مقابله با آن پرداخته‌اند. جامعه آماری این تحقیق، متخلفان قوانین راهنمایی و رانندگی و مجرمان در استان مازندران بوده است. حجم نمونه ۷۵۰ نفر بوده است و نمونه‌ها به روش نمونه‌گیری تصادفی به دست آمده است و از گروه اول ۲۳۰ نفر و از گروه دوم ۵۲۰ نفر برای بررسی انتخاب شده‌اند ابزار گردآوری داده‌های این پژوهش، مصاحبه و پرسشنامه بوده است. نتایج پژوهش نشان داده است که بین ویژگی‌های شخصیتی افراد، آموزش و آگاهی آن‌ها از قوانین، ضعف و خلاء قوانین، بی‌هنجاری، مشکلات قانون‌گریزی و اجباری بودن قوانین با قانون‌گریزی رابطه معناداری وجود دارد.

حبیب‌زاده ملکی و قاسمی (۱۳۸۸) تأثیر رسانه‌های صوتی و تصویری را بر بزهکاری نوجوانان، با نمونه‌ای متشکل از ۱۷۰ نوجوان بزهکار (با تشخیص دادگاه) و ۲۶۰ نوجوان غیر بزهکار بررسی کرده‌اند. یافته‌ها نشان داده است استفاده بیش از ۵ ساعت از تلویزیون، در گروه نوجوانان غیر بزهکار، ۲۱/۵ درصد و در گروه نوجوانان بزهکار، ۳۳ درصد است ($P < 0.01$). همچنین استفاده از اینترنت در گروه

مختلف جهان استفاده می‌شود. ۳. نگاهی به شاخص‌های برآورد حاکمیت قانون در کشورهای مختلف نشان می‌دهد که این شاخص به هیچ یک از ترازهای فردی یا ساختاری فروکاسته نشده است. از این رو، کوشش شد با تکیه بر داده‌های سنجش‌های بین‌المللی، تصویری جامع‌تر از وضعیت حاکمیت قانون ارائه شود. ۴. در این نگاه، همه مؤلفه‌های درگیر در مسأله قانون و سهم آن‌ها روشن است.

مسعودنیا (۱۳۹۳) در مقاله خود، تفاوت بین رانندگان قانونمند و غیرقانونمند موتورسیکلت را در زمینه هنجار تقابل بررسی کرده است. ابزار جمع‌آوری داده‌ها مقیاس هنجار تقابل (NRS) بوده است. تفاوت معناداری میان استفاده‌کنندگان قانون‌گریز موتورسیکلت و استفاده‌کنندگان قانونمند موتورسیکلت از نظر هنجار تقابل اجتماعی به طور کلی ($p > 0/01$) و مؤلفه‌های آن یعنی تقابل منفی ($p > 0/01$) باور به تقابل ($p > 0/01$)؛ و تقابل مثبت ($p > 0/01$) وجود داشت. تحلیل رگرسیون لجستیک چندگانه با روش سلسله مراتبی نشان داد که متغیرهای اجتماعی - جمعیت‌شناختی (مرحله اول) ۹/۳ الی ۱۲/۴ درصد و مؤلفه‌های هنجار تقابل اجتماعی (مرحله دوم)، بین ۱۳/۷ تا ۱۸/۲ درصد از واریانس متغیر ملاک قانون‌گریزی یا قانونمندی در استفاده از موتورسیکلت را تبیین می‌کنند. هنجار تقابل اجتماعی و مؤلفه‌های آن، نقش مهمی در کاهش و پیشگیری از تمایل استفاده‌کنندگان از موتورسیکلت در شهر یزد به ارتکاب قانون‌گریزی دارد.

زوت وله- تروان و همکاران (۲۰۱۴) در مقاله‌ای تشکیل خانواده و رفتار مجرمانه را بررسی قرار کرده‌اند. در این مطالعه اثرات تشکیل خانواده بر اعمال مجرمانه ۵۴۰ زن و مرد با رفتارهای مجرمانه و پرخطر در هلند مطالعه شده است. تحلیل داده‌ها در مورد مردان نشان داد که ازدواج باعث دوری آن‌ها از جرائم جدی می‌شود. مردان همچنین با پدر شدن و داشتن نخستین فرزند از جرائم بیشتر دوری می‌جویند. خانواده‌های با انسجام کامل بیشتر از جرائم دوری می‌جویند. زنان با الگوی رفتاری مجرمانه، به شکل معناداری تحت تأثیر

شهروندان عادی در برابر متجاوزان احتمالی باشد، اعمال حق، نظم اجتماعی یا ترکیبی از این دو است. از سوی دیگر، همین برقراری نظم اجتماعی و اعمال حق متقابل ایجاب می‌کند که اقدامات پیشگیرانه شهروندان در مقابل تعرضات نا حق محدود به ضوابط خاصی باشد. در غیر این صورت، دفاع از حق یا اقدامات پیشگیرانه در برابر بزهکاران احتمالی، مستمسکی برای وقوع تعرضات نا حق خواهد شد.

میرخلیلی و همکاران (۱۳۹۳) بسترهای اعمال قوانین جزایی را مطالعه کرده‌اند و نشان داده‌اند که بر پایه اصول حاکم حقوق کیفری، اصل کلی بر آن است که در قلمرو یک کشور دادگاه‌های آن کشور صرفاً قوانین جزایی خود را اعمال کنند؛ در حالی که در حقوق خصوصی این امکان که دادگاه‌های یک کشور قوانین کشور دیگری را اجرا کنند وجود دارد. اصل عدم اعتبار قوانین جزایی دیگر کشورها، برای دادگاه‌های جزایی، اصلی است که به شکل سنتی در روابط کشورها و در عرصه حقوق جزای بین‌الملل وجود داشته است؛ در واقع، کشورهای مختلف اعمال مطلق و بدون استثنای این اصل را از شاخه‌های اقتدار در حاکمیت خود می‌دانند. در عین حال، نیازهای جوامع امروزی سبب شده است کشورهای مختلف، به صورت استثنایی به تبدیل این اصل بپردازند و مواردی چون نهاد انتقال محکومین به حبس و نیابت قضایی بین‌المللی را بپذیرند.

رضایی (۱۳۹۳) در مقاله‌ای بی‌انضباطی و قانون‌گریزی در ایران را بررسی کرده است. وی کوشش کرده است تا پس از ذکر کاستی‌های قانونی، رویکرد تازه‌ای به مسأله قانون پیشنهاد نماید. وی استدلال نموده است که باید مسأله قانون در کشور از منظری وسیع‌تر یا در چارچوبی گسترده‌تر مطرح شود که در آن، حاکمیت قانون و نه پیروی از قانون در مرکز توجه قرار گیرد. تکیه بر حاکمیت قانون سودمندی‌هایی دارد: ۱. این مفهوم بررسی امر قانونی را با استفاده از شاخص‌های ملموس ممکن می‌سازد. ۲. شاخصی است که در پروژه‌های گوناگون بین‌المللی برای سنجش وضعیت قانون در کشورهای

تهدید می‌کند و عوامل چندگانه و عمده‌ای در آن دخیلند (کلاتری و همکاران، ۱۳۸۴: ۶۶). بر این اساس چون قانون‌گریزی نوعی انحراف اجتماعی به شمار می‌آید، در ادامه نظریه‌های انحرافات اجتماعی شرح داده می‌شود.

نظریه کنترل اجتماعی^۱

نظریه کنترل اجتماعی بر این پیش فرض استوار است که برای کاستن از تمایل به رفتار بزهکارانه و مجرمانه باید همه افراد کنترل شوند. این نظریه همچنین رفتار انحرافی را عمومی و جهان شمول و نتیجه کارکرد و کنترل اجتماعی و کنترل‌های شخصی و درونی می‌داند؛ بنابراین جرم و بزهکاری از یک سو محصول عوامل فردی کنترل نظیر خودپنداره منفی، ناکامی، روان‌پریشی و اعتماد به نفس پایین است و از سوی دیگر، نظام‌های کنترل ناقص اجتماعی و فقدان تقید و تعهد نسبت به نهادهای بنیادین اجتماعی مانند خانواده و مدرسه به رفتار انحرافی منجر می‌شود. نبود کنترل‌های شخصی و اجتماعی موجب پیدایش بزهکاری و جرم می‌گردد. کنترل‌های اجتماعی از کنترل‌های رسمی نظیر قوانین و کنترل‌های غیر رسمی هم چون ضمانت‌های اجتماعی منتج می‌شود (احمدی، ۱۳۸۴: ۸۶).

انسان‌ها موجوداتی با آرزوهای نامحدود هستند که بر خلاف دیگر جانوران با برآورده شدن معیارهای زیستی‌شان سیری نمی‌پذیرند. به بیان دیگر، انسان هر چه بیشتر داشته باشد، بیشتر می‌خواهد و معمولاً برآورده شدن هر نیاز به جای کاستن از آرزوهای انسان، نیاز تازه‌ای را هم برمی‌انگیزاند. از سیری ناپذیری طبیعی نوع بشر چنین برمی‌آید که آرزوهای انسان را تنها می‌توان با نظارت‌های خارجی یعنی با کنترل اجتماعی مهار کرد (ستوده، ۱۳۸۵: ۱۳۳).

کنترل اجتماعی ادامه فرایند جامعه‌پذیری است. جامعه‌پذیری موجب همنوایی می‌گردد و یا به طور کامل‌تر و بهتر می‌توان گفت که جامعه‌پذیری نوعی همنوایی داوطلبانه و

مثبت وضعیت تأهل و مادر شدن- برای دوری جستن از رفتارهای مجرمانه- قرار نمی‌گیرند (Zoutewelle & et al., 2014).

پرات در مقاله‌ای نظریه «جریان زندگی خودکنترلی رفتار مجرمانه» را ارائه کرده است. وی در این مقاله بر آن است تا نظریه‌های ظاهراً متضاد پیرامون رفتار مجرمانه را به هم پیوند دهد؛ بدین ترتیب که: الف- خودکنترلی به عنوان فرایندی پویا در معرض تغییرات قابل ملاحظه موقعیتی در گذر زمان دیده شود. ب- خودکنترلی به عنوان علتی مهم برای انتخاب انواع رخدادهای مهم زندگی (مثبت و منفی) دیده شود که به سهم خود، فرد منحرف و هنجارگریز را تحت تأثیر قرار می‌دهد (Pratt, 2016).

مرور مطالعات در مورد قانون‌گریزی نشان می‌دهد که این مطالعات در سه دسته قرار می‌گیرند: دسته‌ای از مطالعات به جنبه‌های حقوقی و بعضاً تاریخی قانون، متون قانونی و قانون‌مداری پرداخته‌اند. دسته دوم از منظر روان‌شناختی و ابعاد فردی و شخصیتی به مطالعه قانون‌گریزی توجه نموده‌اند و دسته دیگر، مطالعات اجتماعی هستند که ویژگی‌های کلان‌تر اجتماعی را بررسی کرده‌اند. برخی از این مطالعات در کنار ویژگی‌های ساختاری و کلان، ابعاد فردی نیز توجه کرده‌اند. در این زمینه، پژوهشی در جامعه مورد مطالعه انجام نشده است و تنها در پژوهشی، میرفردی و همکاران (۱۳۹۰) وندالیسم را در بین دانش‌آموزان یاسوجی بررسی نموده‌اند. این مطالعه با رویکرد جامعه‌شناختی و توجه به ابعاد اجتماعی (مشارکت اجتماعی و کنترل اجتماعی) و حقوقی (کنترل اجتماعی) و همچنین برخی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی به موضوع قانون‌گریزی در جامعه مورد مطالعه پرداخته است.

مبانی نظری

معیار اصلی نظم در هر جامعه‌ای قانون و هنجارهای نهادینه شده آن است. قانون‌گریزی مترادف با نظم‌گریزی است. در شرایط نظم‌گریزی عملاً انواع آسیب‌ها حیات اجتماعی را

¹ Social Control Theory

اختیاری است. وقتی هم‌نوایی به طور اختیاری صورت نگیرد، ساخت کارهای کنترل اجتماعی برای انتقال و تحمیل و اجرای هنجارها و انتظارات اجتماعی به کار می‌روند. در واقع در فرایند جامعه‌پذیری، ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی به فرد آموخته می‌شود و به وسیله کنترل اجتماعی رفتار او تحت نظارت قرار می‌گیرد (Ferrante, 1995:276).

کنترل اجتماعی به ساخت کارهایی اطلاق می‌شود که جامعه برای واداشتن اعضایش به سازگاری و جلوگیری از ناسازگاری به کار می‌برد. به بیان دیگر، کنترل اجتماعی به مجموع عوامل محسوس و نامحسوس که یک جامعه برای حفظ معیارهای خود به کار می‌برد و مجموع موانعی که به قصد جلوگیری از کجروی اجتماعی افراد در راه آنان قرار می‌دهد گفته می‌شود؛ در نهایت کنترل اجتماعی را می‌توان مجموعه‌ای از منابع مادی و نمادین دانست که در اختیار جامعه قرار دارد و جامعه برای حصول اطمینان از هم‌نوایی رفتاری اعضای خود با اصول و مقرراتی از پیش تعیین شده و مورد تأیید، از آن استفاده می‌کند (Doob, 1988: 13).

نظریه‌های فرهنگ شهری

بنا بر رویکرد کارکردگرایانه درونگرا، محور اصلی بحث در ارتباط با فرهنگ شهری، تحلیل‌های کارکردی از ساخت هنجاری اخلاق است که رفتار شهروندان را شکل می‌دهد. به عبارت دیگر، در این رویکرد رفتار شهروندان بر اساس از ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی و اخلاقی، سازماندهی و هدایت شهروندان به سوی کنش‌ها و تعاملات و جلوگیری از انحراف آنان (کارکرد کنترل) شکل می‌گیرد. فرض اساسی و زیربنای این رویکرد این است که وجود هم‌نوایی گسترده با هنجارهای فرهنگ شهری و روابط اخلاقی در میان شهروندان، باعث کنترل تعصبات ذهنی و فکری شهروندان و از میان رفتن مقاومت آنان در برابر الگوهای صحیح فرهنگ شهری می‌گردد که در نهایت موجب رشد و گسترش معرفت فرهنگ شهری و

رسیدن به انسجام اجتماعی می‌شود. توجه محوری به مناسبات درونی و کنش متقابل شهروندان و شبکه‌های ارتباطی درون اخلاق و فرهنگ و داخل «اجتماع شهری» باعث می‌شود که از رویکرد کارکردگرایانه درونی به رویکرد «کنش متقابل» تعبیر شود. از بعد رویکرد کنش متقابل، پیدایش فرهنگ شهری امری به شدت تعاملی در نظر گرفته می‌شود. به گونه‌ای که رشد اخلاق و فرهنگ و تغییر در علائق شهری امری است که به فعالیت شبکه‌ای از شهروندان مربوط می‌گردد. کنش متقابل میان شهروندان، از مجموعه هنجارهای فرهنگی جامعه تبعیت می‌کند (خلفی، ۱۳۸۳: ۱۲۴).

با وجود طیف گسترده نظریه‌های اجتماعی شهری، محور مشترک در تعریف جامعه‌شناسانه مفهوم شهری، تأکید بر حقوق و وظایف شهری، مشارکت شهری، برابری شهری، هویت شهری و نقش پایگاه شهری فارغ از تعلقات اجتماعی، طبقاتی، قومی، نژادی و مذهبی اعضای جامعه است. جامعه‌شناسان کلاسیک به خصوصی وبر، دورکیم و تونیس به نوعی هویت عضویت و تعهد عقلانی، عرفی و مدنی جدید برای اعضای جامعه در قالب پدیده شهری قائل هستند که به مشارکت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دموکراتیک و احساس تعلق اجتماعی بیشتر به جامعه منجر می‌گردد و در نهایت به تقویت انسجام اجتماعی و نظم اجتماعی منجر می‌گردد. از این منظر شهری عقلانی وبری، شهری مدنی و عرفی دورکیمی و شهری عرفی و گزلفاشتی تونیزی معنا پیدا می‌کند (توسلی و نجاتی حسینی، ۱۳۸۳: ۳۶-۳۷).

رویکرد جامعه‌پذیری^۱ و یادگیری اجتماعی

جامعه‌پذیری نوعی فرآیند کنش متقابل اجتماعی است که در خلال آن، فرد هنجارها، ارزش‌ها و دیگر عناصر اجتماعی، فرهنگی و سیاسی موجود در گروه یا محیط پیرامون خود را

^۱. Socialization

با ارائه و گسترش نظریه یادگیری اجتماعی، جایگاه جامعه‌پذیری را در نوع رفتارهای مجرمانه و غیرمجرمانه برجسته ساختند.

چارچوب نظری پژوهش

در این بررسی، ترکیبی از نظریات ارائه شده که تجانس موضوعی و تحلیل دارند، برای تبیین فرضیه‌های پژوهش استفاده شده است.

کنترل اجتماعی به ساز و کارهایی اطلاق می‌شود که جامعه برای واداشتن اعضایش به سازگاری و جلوگیری از ناسازگاری به کار می‌برد. به مفهومی دیگر، کنترل اجتماعی به مجموعه عوامل محسوس و نامحسوس که یک جامعه برای حفظ معیارهای خود به کار می‌برد و نیز مجموعه موانعی که به قصد جلوگیری افراد از کجروی اجتماعی در راه آنان قرار می‌دهند، گفته می‌شود کنترل اجتماعی را می‌توان «مجموعه‌ای از منابع مادی و نمادین» دانست که در اختیار جامعه قرار دارد و جامعه برای حصول اطمینان از هم‌نواپی رفتاری اعضای خود با اصول و مقرراتی از پیش تعیین شده و مورد تأیید از آن استفاده می‌کند. هیرشی^۶ عمل کجروی را ناشی از نبود کنترل اجتماعی می‌داند. وی استدلال می‌کند کسانی که پیوند قوی با جامعه دارند، از شکستن قواعد و معیارهای آن خودداری می‌کنند و کسانی که با هنجارهای جامعه پیوند ضعیفی دارند و یا هیچ پیوندی با آن‌ها ندارند، برای کجروی مستعدتر و آزادتر هستند. هیرشی عناصری از قبیل دلبستگی فرد به افراد خانواده و نهادهای اجتماعی، تعهد نسبت به جامعه، مشارکت در نقش‌ها و فعالیت‌های اجتماعی و باور و وفاداری فرد به ارزش‌ها و هنجارهای اخلاقی و اجتماعی را پیونددهنده افراد به یکدیگر و جامعه می‌داند.

با توجه به نظریه کنترل اجتماعی هیرشی می‌توان

فرضیه‌های زیر را مطرح کرد:

فرا می‌گیرد، درونی می‌کند و با شخصیت خود یگانه می‌سازد (سلیمی و داوری، ۱۳۸۶: ۱۴۴).

فرایند جامعه‌پذیری که حاصل ارتباط است عوامل مختلفی دارد که عبارتند از: پدر و مادر، سایر اعضای خانواده، دوستان، همکاران، مدرسه، کلیسا و رسانه‌های جمعی. این عوامل ارزش‌ها، باورها و قراردادهای جامعه را از طریق ارتباط به فرد عرضه می‌کنند و با جامعه‌پذیر کردن فرد، او را به مشارکت فعال در اجتماع تشویق می‌کنند (گیل^۱ و آدامز^۲، ۱۳۸۴: ۹۷). در مورد ماهیت این فرآیند نیز اختلافاتی وجود دارد. برخی آن را نوعی فرایند یادگیری می‌دانند که از طریق آن، افراد می‌آموزند در شرایط معین چگونه باید رفتار کنند و هر نقش یا منزلت اجتماعی چه توقعات و انتظاراتی با خود می‌آورد. گروهی نیز جامعه‌پذیری را عبارت از آموزش می‌دانند که در ضمن آن، هنجارها و ارزش‌های جا افتاده از طریق دادن پاداش و کیفر برای انواع گوناگون رفتارها آموزش داده می‌شوند (مک‌کوایل^۳، ۱۳۸۵: ۳۹۴).

ساترلند^۴ اصطلاح هم‌نشینی افتراقی را به عنوان تبیینی از رفتار انحرافی به کار برد. هم‌نشینی افتراقی بر این پیش فرض استوار شده است که رفتار انحرافی موروثی و ذاتی نیست و به همان روشی یاد گرفته می‌شود که هر رفتار دیگری آموخته می‌شود. در فرایند یادگیری، معاشران فرد قواعد حقوقی را به عنوان امور مناسب یا نامناسب تعریف می‌کنند و فرد این تعاریف را از آنان یاد می‌گیرد. شخص به دلیل این‌که در معرض تعاریفی قرار می‌گیرد که قانون‌شکنی را بر احترام به قانون ترجیح می‌دهند، بزهکار یا جنایتکار می‌شود. به اعتقاد ساترلند، فرایند یادگیری که شامل ارتباط و تعامل است می‌تواند همه انواع بزهکاری و جرم را تبیین نماید (مک‌کوایل، ۱۳۸۵: ۹۵).

در مجموع، اندیشمندانی چون باندورا^۵، ساترلند و تارد^۶

¹ Gail, D.

² Adams, B.

³ McQuail, D.

⁴ Sutherland

⁵ Bandura

⁶ Tarde

⁷ Hirschi, T.

الگوهای یادگیری فرد، تحت تأثیر عوامل مختلفی چون سن، جنس و موقعیت اجتماعی است. این نظریه می‌تواند فرضیه‌های کنترل اجتماعی (به عنوان یکی از ساز و کارهای جامعه‌پذیری) و استفاده از وسایل ارتباط جمعی (به عنوان یکی از ابزارهای جامعه‌پذیری) را پشتیبانی کند. تفاوت در موقعیت اجتماعی و همنشینی از دیگر مؤلفه‌های دیدگاه یادگیری اجتماعی است که برای تبیین میزان قانون‌گریزی از آن استفاده می‌شود؛ به عنوان نمونه، تفاوت در شرایط زنان و مردان و همچنین تفاوت در شرایط یادگیری گروه‌های سنی مختلف که موجب تفاوت در کمیت و کیفیت آموزه‌های اقتباسی آن‌ها از جامعه است، می‌تواند در میزان گرایش افراد به قانون‌گریزی تأثیرگذار باشند. پژوهش (Zoutewelle Terovanl & et al., 2014) در مورد وضعیت تأهل و رفتار مجرمانه نیز برای بررسی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی به ویژه متغیرهای وضعیت تأهل و جنسیت می‌تواند الگوی مناسبی باشد.

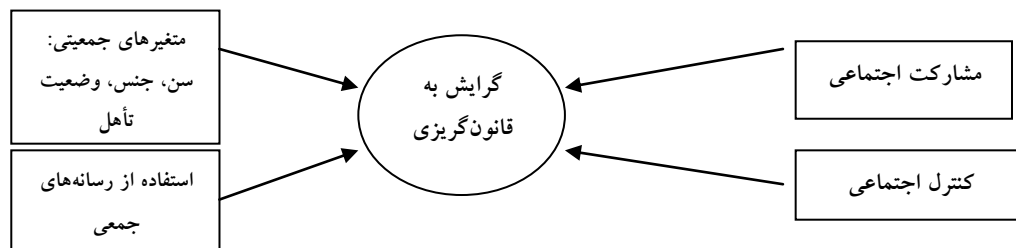
۱- بین میزان کنترل اجتماعی و گرایش افراد به قانون‌گریزی رابطه معناداری وجود دارد.

۲- بین میزان مشارکت اجتماعی و گرایش افراد به قانون‌گریزی رابطه معناداری وجود دارد.

همان‌گونه که پیش از این اشاره شد، مشارکت شهروندی یکی از نشانگرهای فرهنگ شهروندی در جامعه است و در این راستا می‌توان انتظار داشت که میزان مشارکت اجتماعی در جامعه به عنوان یکی از مشخصه‌های فرهنگ شهروندی، زمینه کاهش قانون‌گریزی را ایجاد نماید. این ارتباط در دیدگاه هیرشی نیز به گونه دیگری مطرح شده است.

طبق دیدگاه یادگیری، رفتار انحرافی آموختنی است و فرد می‌تواند رفتار انحرافی را مانند سایر رفتارهای مقبول اجتماعی با کمک فرایند الگوسازی و مشاهده دیگران یاد بگیرد. طبق این دیدگاه، به ویژه نظریه ساترلند، زمینه‌های ارتباطی و همنشینی فرد با دیگران به یادگیری رفتارهای مجرمانه یا غیرمجرمانه می‌انجامد. بر اساس این نظریه، انتخاب

مدل تحلیلی پژوهش



- در زنان و مردان میزان گرایش به قانون‌گریزی متفاوت است.

- در افراد مجرد و متأهل میزان گرایش به قانون‌گریزی متفاوت است.

روش پژوهش

این پژوهش با روش پیمایشی انجام شده است. برای گردآوری اطلاعات از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش شهروندان ۱۸ تا ۴۵ سال ساکن

فرضیه‌های پژوهش

- بین میزان کنترل اجتماعی و میزان گرایش به قانون‌گریزی رابطه معناداری وجود دارد.

- بین میزان مشارکت اجتماعی و میزان گرایش به قانون‌گریزی رابطه معناداری وجود دارد.

- بین میزان استفاده رسانه‌های جمعی و میزان گرایش به قانون‌گریزی رابطه معناداری وجود دارد.

- بین سن و میزان گرایش به قانون‌گریزی رابطه معناداری وجود دارد.

پرسشنامه به وسیله نرم‌افزار SPSS تجزیه و تحلیل شد.

متغیر	ضریب آلفای کرونباخ
گرایش به قانون‌گریزی	۰/۸۶
مشارکت اجتماعی	۰/۷۳
کنترل اجتماعی	۰/۷۵

تعریف نظری و عملیاتی مفاهیم قانون

جعفری لنگرودی در کتاب «ترمینولوژی حقوق»، درباره واژه قانون و این که برخی این واژه را معرب واژه کانون فارسی می‌دانند، می‌نویسد: «گفته شده اصل آن Canon است که عبارت است از مقررات موضوعه توسط مقامات کلیسا و کلمه مزبور، معرب کلمه لاتین مذکور است. به هر حال، شک نیست که این کلمه در اصل عربی نیست» (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۸: ۲۳).

در متون فقهی، بیشتر به منشأ تکوین نظر دارند و در این باور «تمام مقرراتی که از طرف یکی از سازمان‌های دولت وضع شده است، خواه این سازمان قوه مقننه یا رئیس دولت یا یکی از اعضای قوه مجریه باشد» (کاتوزیان، ۱۳۷۳: ۱۲۲).

تعریف یاد شده که مشتمل بر مقررات موضوعه از سوی نهادهای حاکمیتی است، در این پژوهش مورد توجه بوده است.

قانون‌گریزی

قانون‌گریزی طیفی از رفتار است که از قانون‌گریزی دائمی، خشن و شدید (مثل سرقت، قتل و...) تا قانون‌گریزی گاه به گاهی، غیر خشن و ضعیف (مثل ندادن مالیات، عبور از چراغ قرمز و...) را در برمی‌گیرد. به قانون‌گریزی نوع اول، قانون‌گریزی سخت و به قانون‌گریزی نوع دوم، قانون‌گریزی نرم می‌گویند (علی بابایی و فیروزجاییان، ۱۳۸۸: ۷). در این پژوهش، با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته، متغیر گرایش

شهر یاسوج بوده است. حجم نمونه با استفاده از جدول حجم برآورد نمونه لین (Lin, 1976: 446) مشخص شد. جامعه آماری این پژوهش بر اساس سالنامه آماری ۱۳۹۲ استان کهگیلویه و بویراحمد (استانداری کهگیلویه و بویراحمد، ۱۳۹۳)، بیش از ۶۰ هزار نفر بوده است و حجم نمونه با سطح خطای ۵ درصد و سطح اطمینان ۹۵ درصد، ۳۸۱ نفر محاسبه شده است و برای اطمینان بیشتر، به ۴۰۰ نفر افزایش یافته است. برای دسترسی به نمونه‌های مورد مطالعه، از روش نمونه‌گیری تصادفی از نوع طبقه‌ای - چند مرحله‌ای استفاده شده است. با توجه به ناهمگن بودن جامعه مورد مطالعه از نظر اقتصادی و اجتماعی، برای دسترسی به نمونه‌های مورد مطالعه، از شیوه نمونه‌گیری تصادفی از نوع طبقه‌ای - چند مرحله‌ای استفاده شد. پس از تعیین حجم نمونه، ابتدا با استفاده از نقشه راهنمای شهر یاسوج، مناطق سه‌گانه شهر (بالا، متوسط، پایین) از نظر پایگاه اقتصادی - اجتماعی ساکنان، تعیین شد و تعداد محله‌های هر منطقه مشخص گردید. سپس به تناسب سهم جمعیت در هر منطقه، تعداد نمونه در هر کدام تعیین شد. در مرحله بعد، از هر محله چند بلوک به صورت تصادفی انتخاب شد و سپس از هر بلوک، برای انتخاب خانوارها، شماره مبدایی (از بین اعداد ۱ تا ۷) در نظر گرفته شد و با استفاده از فاصله نمونه که در این پژوهش ۷ است، به تعیین نمونه‌های بعدی پرداخته شد. آنگاه با مراجعه حضوری به درب منازل، پرسشنامه توسط یکی از افراد ۱۸ تا ۴۵ سال هر خانوار پاسخ داده شد.

برای تعیین اعتبار سازه (گرایش به قانون‌گریزی) از تکنیک تحلیل عاملی استفاده شد. مقدار KMO این سازه برابر با ۰/۸۹ است که این مقدار پذیرفته شده است و مقدار بارتلت آن ۱/۵۵۸ است. برای سنجش پایایی ابزار اندازه‌گیری نیز از آلفای کرونباخ استفاده شد. آلفای کرونباخ به دست آمده برای سازه گرایش به قانون‌گریزی برابر با ۰/۸۶، برای مشارکت اجتماعی ۰/۷۳ و برای کنترل اجتماعی ۰/۷۵ است که با توجه به این که این مقادیر از ۰/۷ بیشتر است، سؤالات از هماهنگی و انسجام لازم برخوردار بوده است. در نهایت داده‌های

هنجارها، قواعدی در سلوک و حتی آداب و رسومی منطبق با آن چه گروه مطلوب تلقی می‌کند، سوق می‌دهد (بیرو، ۱۳۸۰: ۳۴۸). نظارت اجتماعی به ابزارها و روش‌هایی اطلاق می‌شود که برای وادار کردن فرد به انطباق او با انتظارات گروه معین یا کل جامعه به کار می‌رود (کوئن، ۱۳۷۹: ۱۹۷).

برای سنجش این متغیر از مقیاس رتبه‌ای و گویه‌های ۵ گزینه‌ای استفاده شد. به گزینه خیلی زیاد (نمره ۵)، زیاد (نمره ۴)، متوسط (نمره ۳)، کم (نمره ۲) و خیلی کم (نمره ۱) اختصاص داده شد. در این مقیاس، میزان کنترل اجتماعی فرد از طریق اعضای خانواده، اقوام نزدیک و بستگان، همسایه‌ها و اعضای محل زندگی، دوستان و مأمورین دولتی و پلیس ارزیابی شده است.

مشارکت اجتماعی

برای سنجش این متغیر از مقیاس رتبه‌ای و گویه‌های ۵ گزینه‌ای استفاده شد. به گزینه کاملاً موافقم نمره ۵، موافقم نمره ۴، بی‌نظر نمره ۳، مخالفم نمره ۲ و کاملاً مخالفم نمره ۱ اختصاص داده شد. شرکت در فعالیت‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، خیریه‌ای و ... شرکت در انتخابات شورای شهر، مجلس و ... شرکت در برنامه‌های عمومی مانند کمک به ایتم، جشن عاطفه‌ها و ... کمک به مؤسسات خیریه، بازدید از نمایشگاه‌های عمومی و ... از جمله مؤلفه‌های سنجش این متغیر بوده است.

رسانه جمعی

رسانه‌های جمعی به تمام ابزارهای غیر شخصی ارتباط گفته می‌شود که به وسیله آن‌ها، پیام‌های دیداری و شنیداری به طور مستقیم به مخاطبان انتقال می‌یابند؛ تلویزیون، رادیو، سینما، اینترنت، ماهواره و مجله‌ها، کتاب‌ها و ... در زمره رسانه‌های جمعی محسوب می‌شوند (Jewkes, 2004: 4). برای

به قانون‌گریزی به طور جداگانه در دو بعد رفتاری و شناختی، در مقیاس ترتیبی سنجیده شده است. برای سنجش بعد رفتاری، از ۷ گویه ۵ گزینه‌ای استفاده شده است. به گزینه کاملاً موافقم نمره ۵، موافقم نمره ۴، بی‌نظر نمره ۳، مخالفم نمره ۲ و کاملاً مخالفم نمره ۱ اختصاص داده شده است و برای سنجش بعد شناختی، از ۵ گویه ۵ گزینه‌ای استفاده شده است. به گزینه کاملاً موافقم نمره ۵، موافقم نمره ۴، بی‌نظر نمره ۳، مخالفم نمره ۲ و کاملاً مخالفم نمره ۱ اختصاص داده شده است. مجموع این ابعاد تحت عنوان گرایش به قانون‌گریزی در طیف لیکرت سنجیده شده است.

جدول ۲- گویه‌های سنجش گرایش به قانون‌گریزی

ردیف	گویه‌های مقیاس سنجش گرایش به قانون‌گریزی
۱	به نظر من، در برخی شرایط می‌توان قوانین رانندگی (عبور از چراغ قرمز، سرعت بالا، سبقت غیرمجاز و داشتن گواهینامه و ...) را نادیده گرفت.
۲	به نظر من، می‌توان دفترچه بیمه درمانی خود را در اختیار دیگران قرار داد تا از آن استفاده کنند.
۳	اگر موقعیتش پیش بیاید، در صف نان، بنزین یا خرید اجناس، از دیگران جلو می‌زنم.
۴	به نظر من، اقدام به خرید یا استفاده از کالاهای غیر مجاز (ماهواره و فیلم‌های خارجی بدون مجوز پخش) اشکالی ندارد.
۵	برای رفع یک کار اداری می‌توان مشکل خود را با پول یا پارتی حل کرد.
۶	به نظر من، اگر فیش آب و برق و تلفن خود را دیرتر از مهلت مقرر پرداخت کنیم، هیچ اشکالی ندارد.
۷	رعایت قانون، وظیفه من است.
۸	با رعایت قانون، هر کس به حق خود می‌رسد.
۹	معتقدم اگر بخوای قانون را رعایت کنی، از بقیه عقب می‌مانی.
۱۰	اگر آدم زرنگ باشد، به راحتی می‌تواند قوانین را نادیده بگیرد.
۱۱	معتقدم اگر قانون را رعایت نکنی، می‌توانی با پرداخت رشوه مجازات نشوی.
۱۲	کسانی که قانون را رعایت نمی‌کنند، در زندگی موفق‌ترند.

کنترل اجتماعی

مجموعه وسایل و شیوه‌هایی است که یک گروه یا یک واحد با استفاده از آن‌ها اعضای خود را به پذیرش رفتارها،

¹ Biro, Allen.

² Cohen, Bruce J.

محدوده سنی پاسخگویان ۱۸-۴۵ سال است و میانگین سنی بالغ بر ۲۶ سال بوده است.

مطابق با جدول ۱، ۵۰/۱ درصد از پاسخگویان گرایش پایینی به قانون‌گریزی داشتند، در حالی که ۳۷/۶ درصد گرایش متوسط و ۱۲/۳ درصد پاسخگویان گرایش بالایی به قانون‌گریزی داشتند. میانگین گرایش به قانون‌گریزی ۲۷/۲۵ است که از میانگین واقعی (۳۶) کمتر است.

سنجش این متغیر، از ۶ گویه در مقیاس فاصله‌ای-نسبی استفاده شد.

یافته‌های پژوهش

توصیفی

در این پژوهش ۶۷/۸ درصد از پاسخگویان را مردان و ۳۲/۳ درصد را زنان تشکیل داده‌اند. همچنین ۷۰/۸ درصد از پاسخگویان مجرد و ۲۹/۳ درصد از آن‌ها متأهل بوده‌اند.

جدول ۳- توزیع پاسخگویان بر حسب میزان گرایش به قانون‌گریزی

متغیر گرایش به قانون‌گریزی	تعداد	درصد	میانگین به دست آمده	میانگین واقعی
پایین	۲۰۰	۵۰/۱		
متوسط	۱۵۰	۳۷/۶	۲۷/۲۵	۳۶
بالا	۵۰	۱۲/۳		
تعداد کل	۴۰۰			

متغیر کنترل اجتماعی ۱۴/۸۳ است که تقریباً با میانگین واقعی (۱۵) مساوی است.

۲۳/۸ درصد پاسخگویان کنترل اجتماعی کمی داشته‌اند. ۵۴/۲ درصد پاسخگویان کنترل اجتماعی متوسط و حدود ۲۲ درصد از آن‌ها نیز کنترل اجتماعی بالایی داشته‌اند. میانگین

جدول ۴- توزیع پاسخگویان بر حسب میزان کنترل اجتماعی

میزان کنترل اجتماعی	تعداد	درصد	میانگین به دست آمده	میانگین واقعی
کم	۹۵	۲۳/۸		
متوسط	۲۱۷	۵۴/۲	۱۴/۸۳	۱۵
زیاد	۸۸	۲۲		
تعداد کل	۴۰۰			

از میزان مشارکت اجتماعی بالایی برخوردارند. میانگین متغیر میزان مشارکت اجتماعی ۱۸/۳۵ است که بالاتر از میانگین واقعی (۱۵) است.

۱/۸ درصد پاسخگویان از میزان مشارکت اجتماعی کمی برخوردارند. این در حالی است که ۶۷/۵ درصد پاسخگویان از میزان مشارکت اجتماعی متوسط و حدود ۴۳/۸ درصد از آن‌ها

جدول ۵ - توزیع پاسخگویان بر حسب میزان مشارکت اجتماعی

میزان مشارکت اجتماعی	تعداد	درصد	میانگین به دست آمده	میانگین واقعی
کم	۳۹	۱/۸		
متوسط	۱۸۷	۴۶/۵		
زیاد	۱۷۵	۴۳/۸	۱۸/۳۵	۱۵
تعداد کل	۴۰۰			

آن‌ها بیش از ۶ ساعت به تماشای تلویزیون می‌پردازند. اطلاعات مربوط به میزان استفاده از هر یک از رسانه‌های جمعی در جدول آمده است.

مطابق جدول ۶، ۶۷/۲ درصد از پاسخگویان در طول روز، بین صفر تا ۳ ساعت را به تماشای تلویزیون (شبکه‌های داخلی و رسمی ایران) اختصاص می‌دهند؛ درحالی که حدود ۲۵/۲ درصد پاسخگویان بین ۴ تا ۶ ساعت و ۷/۵ درصد از

جدول ۶ - توزیع پاسخگویان بر حسب میزان استفاده از رسانه‌های جمعی

میزان استفاده از رسانه‌های جمعی	فراوانی			درصد		
	۰ - ۳ ساعت	۴ - ۶ ساعت	بیش از ۶ ساعت	تعداد کل	۰ - ۳ ساعت	بیش از ۶ ساعت
تلویزیون	۲۶۹	۱۰۱	۳۰	۴۰۰	۶۷/۲	۲۵/۲
ماهواره	۳۵۳	۲۶	۲۱	۴۰۰	۸۷/۲	۶/۵
رادیو	۳۸۸	۱۱	۱	۴۰۰	۹۷	۲/۸
اینترنت	۳۴۰	۳۸	۲۲	۴۰۰	۸۵	۹/۵
روزنامه و مجله	۳۸۸	۸	۴	۴۰۰	۹۷	۲
کتاب	۳۴۲	۴۴	۱۴	۴۰۰	۸۵/۵	۱۱

یافته‌های استنباطی

نتایج آزمون t ($t=۳/۱۶$ و $sig=۰/۰۰۲$) نشان می‌دهد که بین میانگین دو گروه مردان و زنان پاسخگو ($۲۸/۲۴ =$ مردان و $۲۵/۱۴ =$ زنان) تفاوت معناداری وجود دارد؛ یعنی گرایش مردان به قانون‌گریزی بیشتر از زنان است. با توجه به سطح معناداری، این فرضیه اثبات می‌گردد.

جدول ۶ نشان می‌دهد که با توجه به نتایج آزمون t ($t=۴/۳۱$ و $sig=۰/۰۰۰$) تفاوت بین میانگین گروه مجرد ($۲۸/۵۴$) و گروه متأهل ($۲۴/۱۰$) معنادار است. به عبارتی، گرایش افراد مجرد به قانون‌گریزی از افراد متأهل بیشتر است. با توجه به معنادار بودن رابطه، فرضیه تحقیق تأیید می‌شود.

جدول ۷- آزمون t مستقل برای بررسی تفاوت میان جنسیت و گرایش به قانون‌گریزی

متغیر	رده	تعداد(نفر)	میانگین	انحراف معیار	t	df	Sig
وضعیت تأهل	مرد	۲۷۱	۲۸/۲۴	۱۰/۳۰	۳/۱۶	۲۹۸/۶	۰/۰۰۲
	زن	۱۲۹	۲۵/۱۴	۸/۵۵			
وضعیت تأهل	مجرد	۲۸۳	۲۸/۵۴	۹/۸۸	۴/۳۱	۲۳۳	۰/۰۰۰
	متأهل	۱۱۷	۲۴/۱۰	۹/۱۴			

بین میزان استفاده از رسانه‌های جمعی (به طور کلی) و گرایش به قانون‌گریزی رابطه مستقیم (۰/۱۳۳) و معناداری (۰/۰۰۸) وجود دارد. بدین معنی که با افزایش میزان استفاده از رسانه‌های جمعی، میزان گرایش به قانون‌گریزی بیشتر می‌شود اما بررسی تأثیر هر کدام از رسانه‌ها به تنهایی بر میزان گرایش به قانون‌گریزی نشان می‌دهد که بین میزان استفاده از تلویزیون و روزنامه و مجله (رسانه‌های داخلی) و گرایش به قانون‌گریزی رابطه معکوس و معناداری وجود دارد. بین میزان استفاده از ماهواره و اینترنت و گرایش به قانون‌گریزی رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد. بین میزان استفاده از رادیو و کتاب و گرایش به قانون‌گریزی رابطه معناداری وجود ندارد.

با توجه به جدول ۸ و سطح معناداری (۰/۰۷۷)، بین سن و گرایش به قانون‌گریزی رابطه معناداری وجود ندارد. با وجود این، جهت این رابطه معنی‌دار نشده معکوس است. بین مشارکت اجتماعی و گرایش به قانون‌گریزی رابطه متوسط و معکوسی (۰/۴۶۴-) وجود دارد. یعنی هرچه مشارکت اجتماعی افراد بالاتر باشد، میزان گرایش به قانون‌گریزی کمتر است. با توجه به سطح معناداری (۰/۰۰۰) و با درجه اطمینان ۹۹ درصد، می‌توان گفت این رابطه معنادار است؛ بنابراین فرضیه پژوهش تأیید می‌گردد. بین میزان کنترل اجتماعی و میزان گرایش به قانون‌گریزی رابطه معناداری وجود ندارد، اگر چه رابطه ضعیف و غیر معنادار بین دو متغیر نیز معکوس است. (۰/۰۸۲-)

جدول ۸- ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرهای مستقل و گرایش به قانون‌گریزی

رسانه‌های جمعی	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معناداری	تعداد پاسخگو
مشارکت اجتماعی	-۰/۴۶۴	۰/۰۰۰	۴۰۰
کنترل اجتماعی	-۰/۰۸۲	۰/۱۰۱	۴۰۰
سن	-۰/۰۸۹	۰/۰۷۷	۴۰۰
رسانه‌ها (به طور کلی)	۰/۱۳۳	۰/۰۰۸	۴۰۰
تلویزیون	-۰/۱۷۱	۰/۰۰۱	۴۰۰
ماهواره	۰/۲۸۰	۰/۰۰۰	۴۰۰
رادیو	-۰/۰۰۹	۰/۸۶۶	۴۰۰
اینترنت	۰/۱۷۴	۰/۰۰۰	۴۰۰
روزنامه و مجله	-۰/۱۳۰	۰/۰۰۹	۴۰۰
کتاب	-۰/۰۵۱	۰/۳۰۹	۴۰۰

مشارکت اجتماعی، وضعیت تأهل (مجرد) و جنسیت (زن) وارد معادله شده‌اند. اولین متغیر پیش‌بینی‌کننده گرایش به قانون‌گریزی که وارد معادله شده است، متغیر مشارکت اجتماعی است که ۲۱/۲ درصد از واریانس متغیر گرایش به

برای مطالعه تأثیر همه متغیرهای مستقل بر روی متغیر وابسته، از تحلیل رگرسیون چند متغیره به روش گام به گام^۱ استفاده شده است. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد متغیرهای

^۱ Stepwise

می‌افزاید. در مرحله سوم، با ورود جنسیت زن، حدود ۰/۶ درصد به قدرت پیش‌بینی مدل افزوده می‌شود. ضریب بتای این متغیر (۰/۰۹۲-) نشان می‌دهد که پاسخگوی زن، به طور متوسط به میزان ۰/۰۹۲- از گرایش به قانون‌گریزی می‌کاهد. در مجموع، این سه متغیر حدود ۲۳/۴ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کنند.

قانون‌گریزی را تبیین می‌کند. ضریب بتای این متغیر (۰/۴۳۱-) نشان می‌دهد که به ازای یک واحد افزایش در میزان مشارکت اجتماعی، به میزان ۰/۴۳۱ گرایش به قانون‌گریزی کاهش می‌یابد. در مرحله دوم، با ورود وضعیت تأهل مجرد، حدود ۱/۶ درصد به قدرت پیش‌بینی مدل افزوده می‌شود. ضریب بتای این متغیر (۰/۱۳۱) نشان می‌دهد که پاسخگوی مجرد، به طور متوسط به میزان ۰/۱۳۱ به گرایش به قانون‌گریزی

جدول ۹- تحلیل رگرسیون چند متغیره با استفاده از روش گام به گام

مراحل	متغیرهای پیش‌بینی	R	R ^{2adj}	B	β	T	Sig.T
۱	مشارکت اجتماعی	۰/۴۶۲	۰/۲۱۲	-۰/۹۹۹	-۰/۴۳۱	-۹/۶۶۱	۰/۰۰۰
۲	وضعیت تأهل (مجرد)	۰/۴۸۱	۰/۲۲۸	۲/۲۸۴	۰/۱۳۱	۲/۹۵۰	۰/۰۰۳
۳	جنسیت (زن)	۰/۴۹۰	۰/۲۳۴	-۱/۹۴۳	-۰/۰۹۲	-۲/۰۸۸	۰/۰۳۷
F=۴۱/۴۵۴							Sig.f=۰/۰۰۰

و قوانین موجود جامعه هماهنگ می‌سازند؛ بنابراین، هنجارگریزی و قانون‌گریزی در زمینه قوانین مصوب یا هنجارهای عرفی را بر نمی‌تابند. شهروندانی که از تعاملات اجتماعی بالایی برخوردارند، در پرتو آگاهی از فرهنگ و حقوق شهروندی با مسؤولیت‌های یک شهروند قانون‌مدار آشنا می‌شوند و آن را سرلوحه کار خویش قرار می‌دهند. در تحلیل رگرسیونی این متغیر به عنوان نخستین متغیر مستقل وارد شده به معادله، بالاترین میزان بتای استاندارد را به خود اختصاص داده است که نشانگر، اهمیت و جایگاه مشارکت اجتماعی در تقویت رفتارهای قانون‌گرایانه و کاستن از رفتارهای قانون‌گریزانه است.

بین میزان کنترل اجتماعی و میزان گرایش به قانون‌گریزی رابطه معناداری به دست نیامد، اگرچه جهت رابطه‌ای آن‌ها معکوس است. این یافته با نظریه هیرشی همخوانی ندارد. دستیابی به چنین نتیجه‌ای بدان معنا نیست که کنترل اجتماعی به عنوان یکی از ابزارهای نظارت اجتماعی، از کارایی لازم برای کاستن از رفتارهای مجرمانه و قانون‌گریزانه برخوردار نیست برای تحلیل چنین نتیجه‌ای در جامعه مورد مطالعه به

نتیجه

این پژوهش برای بررسی رابطه بین میزان قانون‌گریزی و متغیرهایی چون میزان کنترل اجتماعی، میزان مشارکت اجتماعی و برخی متغیرهای زمینه‌ای انجام شده است. یافته‌های پژوهش نشان داد که بین میزان مشارکت اجتماعی و گرایش به قانون‌گریزی رابطه معکوس و معناداری وجود دارد. به بیان دیگر، افراد با میزان مشارکت اجتماعی بالاتر، کمتر به قانون‌گریزی مبادرت می‌کنند و بالعکس افرادی که کمتر در عرصه‌های اجتماعی مشارکت دارند، احتمال بیشتری دارد که رفتارهای قانون‌گریزانه داشته باشند. این یافته با نظریه هیرشی و همچنین نظریه فرهنگ شهروندی در مورد نقش مشارکت اجتماعی در کاهش رفتار مجرمانه همخوانی دارد. این یافته به گونه‌ای با دیدگاه یادگیری ساترلند در مورد نقش موقعیت اجتماعی و ارتباطات و هم‌نشینی در رفتارهای مجرمانه همخوانی دارد. در تحلیل چنین یافته‌ای می‌توان استدلال نمود که افرادی که در تعاملات و موقعیت‌های اجتماعی پذیرفته شده حضور دارند، ضمن آشنایی با هنجارها و ارزش‌های مطلوب در مورد رفتارهای فردی و اجتماعی، خود را با قواعد

لحاظ محتوایی تفاوت‌های قابل ملاحظه‌ای با شبکه‌های خارجی دارند و برای ترویج ارزش‌ها و هنجارهای ملی و بومی می‌کوشند، بیشتر به مرور قوانین و ضوابط پذیرفته شده جامعه می‌پردازند و در این راستا، از نقش تعیین‌کننده‌تری برای هم‌نوا کردن شهروندان با ارزش‌ها و هنجارهای مطلوب جامعه برخوردارند.

بین میزان استفاده از ماهواره و اینترنت و گرایش به قانون‌گریزی رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد. این دو رسانه جمعی، رسانه‌های جهانی و برون مرزی محسوب می‌شوند که از فراوانی زیادی برخوردارند اما لزوماً همه محتواهای آن‌ها متناسب با ارزش‌ها و هنجارهای پذیرفته شده در گستره ملی نیست. از سویی، کاربران مختلف با سلیقه‌های گوناگون و خاص خود از آن‌ها استفاده می‌کنند و نوع کاربری این رسانه‌های جهانی نیز در شکل‌دهی به گرایش‌ها و رفتارهای کاربران نقش دارد.

در این پژوهش، بسته به میزان استفاده از هر یک از رسانه‌های جمعی، میزان گرایش به قانون‌گریزی در میان افراد متفاوت بوده است. این وضعیت نشان دهنده تفاوت جهت‌گیری در رسانه‌های جمعی و همچنین نوع استفاده از رسانه‌های جمعی در میان کاربران این رسانه‌هاست.

نتایج مطالعه نشان داد که بین وضعیت تأهل و میزان گرایش به قانون‌گریزی تفاوت معناداری وجود دارد. به بیان دیگر، افراد مجرد نسبت به افراد متأهل، گرایش بیشتری به قانون‌گریزی دارند. این یافته با نتایج تحقیق مسعودنیا (۱۳۹۳) و زوت‌وله تروان و همکاران (۲۰۱۴) همخوانی دارد. مطالعه زوت‌وله تروان نشان داد که شرایط تأهل موجب کاهش رفتارهای مجرمانه بین افراد با رفتارهای پرخطر می‌شود. دیدگاه یادگیری نیز بر موقعیت اجتماعی و برخی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی به عنوان عوامل تأثیرگذار بر سوق‌دهی افراد به رفتارهای مجرمانه تأکید نموده است.

بین سن و گرایش به قانون‌گریزی رابطه معناداری وجود نداشت؛ اگرچه میزان ضریب همبستگی به دست آمده نشانگر

دو موضوع باید توجه داشت: الف- صرف کنترل اجتماعی نمی‌تواند به کاهش رفتار قانون‌گریزانه بیانجامد بلکه ابزارها و عوامل کنترل اجتماعی و ساز و کار اقدامات کنترلی در اثربخشی کنترل اجتماعی نقش مهمی دارد. آگاهی و توانمندی عوامل کنترل‌کننده نسبت به فرهنگ شهروندی از دیگر مقوله‌های مهم و تعیین‌کننده در کارآمد ساختن برنامه‌ها و اقدامات کنترلی است. ب- بافت اجتماعی هر جامعه‌ای می‌تواند در نوع ابزارهای کنترلی، شیوه اعمال آن‌ها و میزان اثربخشی آن‌ها نقش تعیین‌کننده‌ای داشته باشد. شهر یاسوج منطقه‌ای نیمه سنتی است که دارای ترکیب جمعیتی قومی- عشیره‌ای است و هنوز ساکنان آن برخی از ویژگی‌های سنتی را در زندگی اجتماعی به شکل قابل ملاحظه‌ای حفظ می‌کنند، رابطه مداری برای کم اثر ساختن ضابطه‌های رسمی، تعصبات قومی در تعاملات و همچنین نزاع‌های جمعی و ... از جمله ویژگی‌هایی است که بی‌ارتباط با بافت سنتی این شهر نیست.

در همین زمینه، دانایی فرد و همکاران (۱۳۸۸) در پژوهش خود نشان دادند که خلأ قوانین و بی‌هنجاری - که نوعی بی‌کنترلی را در جامعه پدید می‌آورد- در بروز قانون‌گریزی نقش مهمی ایفا می‌کند.

بین میزان استفاده از رسانه‌های جمعی و گرایش به قانون‌گریزی رابطه معناداری وجود داشته است که این یافته با نتایج مطالعه حبیب‌زاده و قاسمی (۱۳۸۸) همخوانی دارد. بررسی رابطه بین هر یک از رسانه‌های جمعی از جمله تلویزیون، ماهواره، رادیو، اینترنت، روزنامه، مجله و کتاب با گرایش به قانون‌گریزی نشان می‌دهد که بین میزان استفاده از تلویزیون، ماهواره، اینترنت و روزنامه و مجله و گرایش به قانون‌گریزی رابطه معناداری وجود دارد اما بین میزان استفاده از رادیو و کتاب و گرایش به قانون‌گریزی رابطه معناداری وجود ندارد. بر اساس یافته‌های پژوهش، بین میزان استفاده از تلویزیون، روزنامه و مجله و گرایش به قانون‌گریزی رابطه معکوس و معناداری وجود دارد. از آن‌جا که این دو رسانه جمعی جزء رسانه‌های داخلی و درون مرزی هستند، که به

و اجتماعی در جامعه مورد مطالعه و دیگر مناطق نیمه برخوردار و یا غیر برخوردار کشور، نسبت به گسترش فعالیت‌های عمومی و مردمی در امور اجتماعی و فرهنگی اهتمام ورزند.

۲- تشکیل‌های غیردولتی بستر مناسبی برای آشنایی بهتر شهروندان با قواعد و قوانین است. برای تحقق پیشنهاد بند نخست، می‌توان از ظرفیت اجتماعی این نوع تشکلهای بهره گرفت.

۳- شورای فرهنگ عمومی می‌تواند نقش مهمی در ترویج قانون‌مداری داشته باشد و نسبت به تدوین برنامه‌های فرهنگی و اجتماعی ترویجی در زمینه قانون‌مداری و فرهنگ شهروندی اقدام نماید.

۴- برنامه‌های فرهنگی و اجتماعی برای پیشگیری از جرم نسبت به کنترل اجتماعی از اولویت بیشتری برخوردارند؛ بنابراین لازم است چنین برنامه‌هایی از دوران کودکی و در مراکز آموزشی و نیز در برنامه‌های هنری برای نونهالان در نظر گرفته شود.

منابع

- احمدی، ح. (۱۳۸۴). *جامعه‌شناسی انحرافات*، تهران: انتشارات سمت.
- استاندارداری کهگیلویه و بویراحمد. (۱۳۹۲). *سالنامه آماری استان کهگیلویه و بویراحمد*، یاسوج: استانداری کهگیلویه و بویراحمد.
- بیرو، آ. (۱۳۸۰). *فرهنگ علوم اجتماعی*، تهران: انتشارات کیهان.
- تنکابنی، ح. (۱۳۸۹). «منزلت «قانون» و «نظم» در نظریه‌های علوم اجتماعی و مدیریت و پیشینه آن در اداره امور ایران عصر قاجار»، *فصلنامه جامعه‌پژوهی فرهنگی*، سال اول، ش ۲، ص ۳۵ - ۴۴.
- توسلی، غ. و نجاتی حسینی، م. (۱۳۸۳). «واقعیت‌های اجتماعی شهروندی در ایران»، *مجله*

جهت معکوس بین سن و گرایش به قانون‌گریزی است. بین زنان و مردان در میزان گرایش به قانون‌گریزی تفاوت معناداری وجود دارد؛ بدین معنی که مردان نسبت به زنان گرایش بیشتری به قانون‌گریزی دارند. نتیجه این فرضیه با نتیجه تحقیق زوتوله تروان و همکارانش (۲۰۱۴) همخوانی ندارد زیرا در تحقیق یاد شده، رفتار مجرمانه زنان پس از متأهل شدن به شکل معناداری کاهش نیافته است در حالی که در مردان، پس از متأهل شدن کاهش رفتارهای مجرمانه قابل توجه بوده است. فرهنگ بومی و محلی هر جامعه، چه در بعد ملی چه در بعد محلی - منطقه‌ای، در شکل‌گیری الگوهای نگرشی و رفتاری به ویژه با تفاوت‌های نقش-جنسیتی جایگاه تعیین‌کننده‌های دارند. انتظارات رفتاری از زنان و مردان در مورد رفتارهای بیرون از منزل تا حدودی متفاوت است و در اغلب مناطق جامعه ایران به ویژه مناطق سنتی و نیمه سنتی‌تر، زن نماد حجب و حیا و حیثیت اخلاقی خانواده است و رواداری نسبت به رفتارهای مجرمانه و خلاف قانون، برای زنان به اندازه مردان نیست. این به معنای پذیرفته بودن رفتارهای قانون‌شکنانه برای مردان نیست بلکه شأن اخلاقی‌تر زنان را در جامعه نشان می‌دهد.

در مجموع، یافته‌های این پژوهش نشان داد که زمینه اجتماعی و تعامل هنجارمند در آن نقش مهم و بازدارنده‌ای در گرایش به رفتارهای قانون‌گریزانه دارد؛ به گونه‌ای که مشارکت اجتماعی جایگاه به مراتب مهم‌تری از کنترل اجتماعی در کاستن از تمایلات قانون‌گریزانه داشته است. اگر این قاعده در مورد آسیب‌های اجتماعی مورد توجه باشد که پیشگیری بهتر از درمان است، مشارکت اجتماعی می‌تواند به عنوان یکی از نمادها و زمینه‌های پیشگیری از جرم و رفتار قانون‌گریزانه مورد نظر قرار گیرد.

با توجه به نتایج به دست آمده از پژوهش:

۱- نظر به نقش مهم مشارکت اجتماعی افراد در فعالیت‌ها و تشکلهای گوناگون اجتماعی در کاهش گرایش به قانون‌گریزی، پیشنهاد می‌شود سازمان‌های متولی امور فرهنگی

- علمی، م. (۱۳۸۴). «بررسی نقش عوامل اجتماعی مؤثر بر قانون‌گرایی شهروندان تبریز»، فصلنامه علمی و پژوهشی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد خلیج، سال دوم، ش ۷، ص ۷۶-۵۱.
- علی‌بابایی، ی. و فیروزجائیان، ع. (۱۳۸۸). «تحلیل جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر قانون‌گریزی»، فصلنامه دانش انتظامی، سال یازدهم، ش ۴، ص ۵۸-۷.
- فرماندهی انتظامی استان کهگیلویه و بویراحمد. (۱۳۹۲). گزارش‌های داخلی از جرائم اجتماعی، یاسوج: فرماندهی انتظامی استان کهگیلویه و بویراحمد.
- کاتوزیان، ن. (۱۳۷۳). مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- کلاتری، ص.؛ ربانی، ر. و صداقت، ک. (۱۳۸۴). «ارتباط فقر با قانون‌گریزی و شکل‌گیری آسیب اجتماعی»، فصلنامه علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی، سال پنجم، ش ۱۸، ص ۶۵-۹۰.
- کوئن، ب. (۱۳۷۹). درآمدی بر جامعه‌شناسی، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: نشر توتیا.
- گیل، د. و بریجیت، آ. (۱۳۸۴). القبای ارتباطات، ترجمه: رامین کریمیان و مهران مهاجر، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ی ۱۰۱.
- مسعودنیا، ا. (۱۳۹۳). «بررسی رابطه بین هنجار تقابل اجتماعی و قانون‌گریزی استفاده‌کنندگان موتورسیکلت در شهر یزد»، جامعه‌شناسی کاربردی، سال ۲۵، ش ۲، ص ۱۳۹-۱۵۸.
- مک‌کوایل، د. (۱۳۸۵). نظریه ارتباطات جمعی، ترجمه: پرویز اجلالی، تهران: دفتر مطالعات و توسعه سازمان‌ها.
- میرخلیلی، م.؛ رحمانی نعیم‌آبادی، ع. و سالاری‌فر، ا. (۱۳۹۳). «بسترهای توسعه اعمال قوانین جزایی در مکان»، نشریه آموزه‌های حقوق کیفری، ش ۸، ص ۱۸۱-۲۰۶.
- جامعه‌شناسی ایران، دوره پنجم، ش ۲، ص ۳۲-۶۲.
- جعفری لنگرودی، م. (۱۳۶۸). ترمینولوژی حقوق، تهران: کتابخانه گنج دانش.
- حبیب‌زاده ملکی، اص. و قاسمی، م. (۱۳۸۸). «رابطه بین استفاده از رسانه‌های صوتی-تصویری و بزهکاری نوجوانان»، فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی، سال شانزدهم، ش ۲(۵۸)، ص ۹۵-۱۲۰.
- خلفی، ش. (۱۳۸۳). مطالعه عوامل اجتماعی مؤثر بر میزان پابندی به اخلاق شهروندی در میان شاغلین مراکز دانشگاهی مورد شهر تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهرا(س)، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصاد.
- دانایی‌فرد، ح.؛ آذر، ع. و صالحی، ع. (۱۳۸۸). «قانون‌گریزی در ایران: تبیین نقش عوامل سیاسی، اقتصادی، قانونی، مدیریتی و اجتماعی-فرهنگی»، فصلنامه دانش انتظامی، ش ۴۴، ص ۷-۶۵.
- رضایی، م. (۱۳۸۴). «میزان، نوع و عوامل مؤثر بر قانون‌گریزی»، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ششم، ش ۳، ص ۴۷-۶۹.
- رضایی، م. (۱۳۹۳). «بی‌انضباطی و قانون‌گریزی: در جست و جوی طرحی نو برای حاکمیت قانون در ایران»، فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی، ش ۱۲، ص ۴۰-۷.
- ستوده، ه. (۱۳۸۵). آسیب‌شناسی اجتماعی، تهران: انتشارات آوای نور.
- سلیمی، ع. و داوری، م. (۱۳۸۶). جامعه‌شناسی کجروی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- صفاری، ع. و صابری، ر. (۱۳۹۳). «ضوابط حقوقی جرم شناختی پیشگیری وضعی از جرم»، نشریه آموزه‌های حقوق کیفری، ش ۸، ص ۱۴۵-۱۸۰.

- Jewkes, Y. (2004) *Media & Crim, Key Approaches to Criminology*, Sage Publications. UK.
- Lin, N. (1976) *Foundations of Social Research*. New York: Mc -Graw Hill.
- Pratt, T. C. (2016) "A Self-Control/Life-Course Theory of Criminal Behavior", *European Journal of Criminology*, 13(1):129-146.
- Zoutewelle-Terovan¹, M. Van Der Geest¹, V. Aart, L. Bijleveld, C. (2014) "Criminality and Family Formation: Effects of Marriage and Parenthood on Criminal Behavior for Men and Women", *Crime & Delinquency*, 60(8): 1209-1234.
- میرفردی، ا؛ احمدی، س. و نیکخواه، ز. (۱۳۹۰). «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر گرایش به وندالیسم (خرابکاری) در بین دانش‌آموزان دبیرستانی شهر یاسوج»، نشریه جامعه‌شناسی کاربردی، سال بیست و سوم، ش ۳ (۴۷)، ص ۱۸۵-۲۰۶.
- Doob, C. B. (1988) *Sociology: An introduction*. New York: longman, 2Ed.
- Ferrante, J. (1995) *Sociology: A Global perspective*. Wadsworth Publishing Company, Belmont, CA, U.S.A.